اندیشه اسلامی

سیدمیثم میرتاج‌الدینی

بررسی مفهوم و ویژگی‌های ایمان
از منظر حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای

ایمان؛ نقطه آغاز حرکت انسان

در میان مفاهیم متعدد دینی که ساختار اصلی معارف توحیدی را تشکیل می‌دهند، مفهوم «ایمان» نقشی کلیدی دارد؛ به‌گونه‌ای که اگر کسی بخواهد نظام مفاهیم قرآنی و اصول دینی همانند توحید و نبوت را فارغ از مباحث کلامی مرسوم طرح کند تا ثمره آن دینداری فعال و کنشگر باشد، ضرور تا باید تصویری شفاف از مفهوم ایمان ترسیم کند. حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای با درک همین ضرورت، مباحثی مهم پیرامون مفهوم «ایمان» طرح کرده‌اند و آن را چنان بسط می‌دهند که به‌عنوان یک زمینه مشترک در تمام مباحث عقیدتی، مانند بحث توحید و نبوت، نقش ایمان چشم‌نوازی می‌کند. در این نوشتار بناست نکات مهم از بیانات ایشان درباره ایمان را مختصرا مرور کنیم.

ایمان چیست

«ایمان یعنی باور، پذیرش و پایبندی به آنچه انسان برای آن و در راه آن تلاش می‌کند.» به دیگر سخن «ایمان یعنی گرایش قلبی، وابستگی فکری و اعتقادی و روانی به چیزی یا کسی. آن هم نه یک گرایش صرفا قلبی یا ذهنی. بلکه گرایش همراه با عمل متناسب.» البته آنگاه ویژه بودن این تعریف مشخص می‌شود که بدانیم در تعریف ایمان، نظرات گوناگونی وجود دارد بدین توضیح که برخی ایمان را صرفا باوری ذهنی، برخی ایمان را گرایش قلبی و برخی دیگر ایمان را عملی عینی قلمداد کرده‌اند. اما رهبر انقلاب ظاهرا با این تعریف میان نظرات مختلف را جمع کرده‌اند؛ چرا که در تعریف ایشان، ایمان هم باور ذهنی هم گرایش قلبی و هم عمل متناسب با باور و گرایش است.

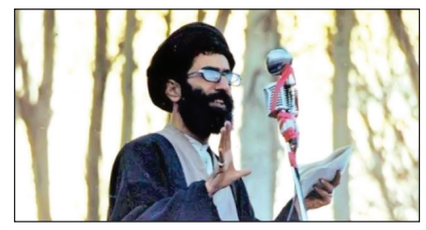

ویژگی‌های ایمان از منظر قرآن

اولین ویژگی ایمان، آگاهانه بودن است. اگر ایمان را مطابق تعریف مذکور حاوی عمل بدانیم، مطابق استنادات قرآنی عمل و اطاعت باید همراه با فهم باشد. اگر اطاعت از روی فهم نباشد، ارزشی ندارد و شبیه اطاعت کورکورانه و مقلدانه و متعصبانه مشرکان است. از این‌رو ایمان که همان باور و گرایش و عمل است، بایستی متکی به فهم باشد که واژه «سمعنا و اطعنا» در آیه شریفه ۲۸۵ بقره اشاره به همین مطلب دارد. مرز میان ایمان شایسته مومنان با ایمانی که مشرکان به خدایان خود داشتند را همین آگاهانه بودن مشخص می‌کند. ایمان مومن به خدا و رسول، ایمانی است همراه با آگاهی، نه ایمانی از روی تعصب و جانبداری احساسی و به دور از منطق. نکته مهم آنکه رهبر انقلاب معتقدند داشتن ایمان آگاهانه، منوط است به آگاهی دادن دائمی. این خود بدین معناست که نباید از آگاهی دادن واهمه داشت. نباید از بسته ماندن چشم و گوش‌ها لذت برد. نباید تصور کرد چون یک فرد یا گروهی چشم و گوش بسته اطاعت می‌کنند، این ارزشمند است. ایشان تصریح می‌کنند: «ایمان آگاهانه را نیاز نیست لای پارچه بپیچید و در صندوق‌خانه بگذارید تا مبادا آسیب ببیند.» یا مبادا شبهه‌ای و شکی بر آن عارض شود. ایمان اگر آگاهانه باشد، آزادی را پدید می‌آورد. از آزادی در این حیطه نباید هراس داشت چون آن ایمانی با شبهات و شکیات از بین می‌رود که آگاهانه نیست. این کافران هستند که برای دستخوش تحول نشدن اعتقادات‌شان و محافظت از افکار ارتجاعی خود، از هر نوع آگاهی که به واسطه انبیاء ارائه می‌شد دوری می‌گزیدند و فضای بحث و گفت‌وگو را سد می‌کردند. ایمان آگاهانه از راه آگاهی دادن دائمی به‌دست می‌آید.

دومین ویژگی ایمان، زاینده بودن و همراه تعهدات عملی بودن است. هرچند در تعریف ایمان مشخص شد که ایمان بایستی همراه با عمل باشد اما موضوع زایندگی و همراه تعهدات عملی بودن، به‌عنوان یک ویژگی برای ایمان توسط رهبر انقلاب تکرار و تأکید می‌شود. بدین توضیح که ایمان به‌عنوان یک گروش قلبی یا باور ذهنی صرف، موردنظر قرآن نیست بلکه باید این ایمان، زاینده عمل و در معیت و همراهی با تعهدات عملی باشد. وگرنه باید شیطان را هم مومن دانست. چون او باور داشت اما متناسب با این باور عملی ارائه نکرد. سومین ویژگی ایمان، سودجویانه نبودن آن است. انسان به‌صورت فطری، منافع خود را دنبال می‌کند. حتی اطاعت و تبعیت از خدا به سبب رسیدن به منافع و ثمراتی است که خداوند خود آنها را نوید داده است. با این حال ایمان نباید سودجویانه باشد. به چه معنا؟ بدین معنا که هرجا سودشخصی اقتضاء داشت به تعهدات متناسب با ایمان عمل کنیم و هرجا عمل بر مقتضای ایمان سود شخصی را استیفاء نکرد یا حتی منجر به ضرر ظاهری و دنیوی شد، ایمان و عمل بدان را کنار بگذاریم. آیات قرآن نیز چنین ایمانی را در آیات ۴۷ به بعد از سوره نور، اساسا ایمان تلقی نمی‌کند. پس ایمان نباید گاه‌گاهی، فصلی و موسمی و سودجویانه و نفع‌طلبانه باشد. ایمان مدنظر قرآن، ایمانی همیشگی و همگانی است؛ ایمانی است برای همه زمان‌ها و برای همه افراد. هیچ زمانی و هیچ‌کسی از عمل به اقتضائات آن استثناء نمی‌شود.

نویدهای ایمانی

اگر فرد یا جامعه‌ای چنین ایمانی را تحصیل کرد، خداوند متعال نتایجی را بر این ایمان مترتب می‌کند. این نتایج به‌صورت متعدد و وسیع در قرآن مورداشاره قرار گرفته است که رهبر انقلاب به برخی از آنها پرداخته‌اند: سعادت و احساس خوشبختی، هدایت و شناخت مقصد و راه، نور و آزادی از موانع و حجاب‌ها و تاریکی‌ها و اسارت‌ها، پیروزی و نتیجه‌بخش بودن تلاش‌ها، نصرت و یاری‌گری خداوند، مغفرت و جبران کاستی‌ها و اشتباهات در طول مسیر و.... همچنین انسان مومن و جامعه ایمانی به دو ویژگی مهم مسلح می‌شود: اطمینان و سکون. بدین معنا که مومن آرامش خاطر دارد و هنگام عمل، مشوش و مضطرب نیست. ترس‌ها و طمع‌های موجود در مسیر، نمی‌تواند بر جاذبه ایمانی او غلبه کرده و او را همچون تخته‌پاره‌ای به هر سو بکشاند. او قرص و محکم در برابر همه وسوسه‌ها و ترس‌ها ایستادگی می‌کند.

پ.ن: تمام مطالب عنوان شده در این سطور مبتنی بر کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن تالیف حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای است.

تنیدگی اسلام و ایمان، از تسلیم ظاهری تا اشتغال دائمی به عبودیت

۴ مرتبه اسلام و ایمان به روایت علامه طباطبایی(ره)

اندیشه عبودیت

محمدصادق عبداللهی
پژوهشگر فلسفه تعلیم و تربیت

ابتدای دعای مکارم‌الاخلاق که حضرت امام سجاد(ع) برای خداجویان عالم به یادگار گذاشته است از خداوند متعال درخواست کرده که ایمان‌مان را به درجه کامل‌ترین ایمان‌ها برساند: «اللّهُمّ صَلِّ عَلَی مُحَمّدٍ وَآله، وَبَلِّغْ بِإیمَانِی أَکمَلَ الْإِیمَانِ» اما کامل‌ترین درجه ایمان چیست و چه مراتبی را برای آن باید طی کرد؟ آنچه در ادامه از نظر می‌گذرد، مراتب اسلام و ایمان براساس نظر تفسیری مرحوم علامه سیدمحمدحسین طباطبایی(ره) که در صفحه‌های ۱۳۶ تا ۱۴۲ جلد دوم تفسیر المیزان ذیل آیات ۱۳۰ تا ۱۳۴ سوره بقره آمده است. امید است توجه به امر مهم ایمان که از مسائل محوری اما مغفول معارف الهی در جامعه ماست، بیش از پیش گردد.

معنای اسلام

علامه طباطبایی(ره) اسلام را حالتی می‌داند که کسی یا چیزی در برابر کس دیگر به‌نحوی باشد که هرگز او را نافرمانی نکند و او را از خود دور نسازد و بدین تربیت اسلام انسان برای خدای تعالی را نیز وصف پذیرش انسان تعریف می‌کنند به‌نحوی که انسان نسبت به هر سرنوشتی که از ناحیه خدای سبحان برایش تنظیم می‌شود، چه سرنوشت تکوینی، از قدر و قضا و چه تشریعی از اوامر و نواهی و غیرآن تسلیم باشد. و حال از آنجا که مراتب تسلیم بر حسب شدت و ضعف وارده بر انسان و آسانی و سختی پیش‌آمدها، مختلف است و آنکه در برابر پیش‌آمدهای ناگوارتر و تکالیف دشوارتر تسلیم می‌شود طبیعتاً نسبت به آنکه در برابر ناگواری‌ها و تکالیف آسان‌تری تسلیم می‌شود و ظرفیت تسلیم در برابر تکالیف دشوارتر را ندارد، اسلامش قوی‌تر است. حضرت علامه(ره) اسلام را دارای ۴ مرتبه می‌دانند که هر مرتبه مشتمل بر مرتبه‌ای از ایمان است که این مرتبه از ایمان زمینه‌ساز مرتبه بالاتری از اسلام می‌شود. مراتب اسلام و ایمان از منظر صاحب تفسیر گران‌سنگ المیزان عبارت است از:

مرتبه اول اسلام: اذعان و باور قلبی به‌خصوص اجمالی شهادتین

مرتبه اول از اسلام از منظر علامه‌طباطبایی(ره) پذیرفتن ظواهر اوامر و نواهی خداوند است، به نوعی که فرد با زبان، شهادتین را بگوید، چه اینکه موافق با قلبش هم باشد و چه نباشد. حضرت علامه در این خصوص به آیه ۱۴ سوره حجرات اشاره دارند که خداوند می‌فرماید: «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ؛ اعراب گفتند ما ایمان آوردیم بگو هنوز ایمان نیاورده‌اید، ولکن بگویید اسلام آوردیم، چون هنوز ایمان داخل در قلبتان نشده.» براساس این نظر، در مقابل اسلام مرتبه اول، نخستین مرتبه ایمان قرار دارد که عبارت است از اذعان و باور قلبی به مضمون اجمالی شهادتین که لازمه‌اش عمل به غالب فروع است.

مرتبه دوم اسلام: اعتقاد تفصیلی به حقایق دینی و به‌دنبال آن انجام عمل صالح

مرحوم علامه(ره) در شرح مرتبه دوم اسلام به آیه ۲۰۸ سوره بقره اتکا دارند که خداوند می‌فرماید: «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِی السِّلْمِ کافَّه؛ ای کسانی که ایمان آوردید، همگی داخل در سلم شوید.» ایشان شرح می‌دهند به حکم این آیه یک مرتبه از اسلام هست که بعد از ایمان مرتبه اول پیدا می‌شود، چون می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آوردید! داخل در سلم شوید، پس معلوم می‌شود این اسلام غیر اسلام مرتبه اول است که قبل از ایمان بود. در واقع مرتبه دوم اسلام از منظر صاحب تفسیر المیزان، دنباله و لازمه همان ایمان قلبی است که در مقابل مرتبه اول اسلام قرار داشت، یعنی تسلیم و انقیاد قلبی نسبت به نوع اعتقادات حقه تفصیلی و اعمال صالحه‌ای که از توابع آن است، هر چند که در بعضی موارد تخطی شود فلذا بیان می‌دارند که «داشتن این مرحله از اسلام منافاتی با ارتکاب بعضی گناهان ندارد.»

علامه(ره) در مقابل این اسلام، مرتبه دوم از ایمان را تعریف می‌کنند که عبارت است از اعتقاد تفصیلی به حقایق دینی. آنطور که تفسیر المیزان می‌خوانیم این مرحله از ایمان از آیات ۱۰ و ۱۱ سوره صف استنباط می‌شود. آنگاه که خداوند تعالی فرموده: «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّکُمْ عَلَی تِجَارَهٍ تُنْجِیکُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِیمٍ؛ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِکُمْ وَأَنْفُسِکُمْ؛ ای کسانی که ایمان آوردید، آیا می‌خواهید شما را به تجارتی راهنمایی کنم که از عذاب دردناک نجات‌تان دهد؟ آن این است که به خدا و رسولش ایمان آورید و در راه خدا با اموال و نفوس خود جهاد کنید.» علامه‌طباطبایی(ره) معتقدند که در این دو آیه دارندگان ایمان باز به داشتن ایمانی ارشاد می‌شوند که مشخص می‌کند ایمانی غیر ایمان مرتبه اول است.

مرتبه سوم اسلام: رام کردن نفس سرکش و تسلیم وجود انسان در برابر خدا

مرتبه سوم از اسلام دنباله و لازمه همان مرتبه دوم ایمان است، چون نفس آدمی وقتی با ایمان نامبرده انس گرفت و متخلق به‌اخلاق آن شد، خودبه‌خود سایر قوای منافی با آن، از قبیل قوای بهیمی و سبعی، برای نفس رام و منقاد می‌شود و آن قوایی که متمایل به هوس‌های دنیایی و زینت‌های فانی و ناپایدارش می‌شوند، رام نفس گشته و نفس به آسانی می‌تواند از سرکشی آنها جلوگیری کند. اینجاست که آدمی آنچنان خدا را بندگی می‌کند که گویی او را می‌بیند، چنین کسی دیگر در باطن و سر خود هیچ نیروی سرکشی که مطیع امر و نهی خدا نباشد یا از قضا و قدر خدا به خشم آید، نمی‌بیند و سراپای وجودش تسلیم خدا می‌شود.

بنا به تفسیر علامه طباطبایی(ره) درباره این اسلام است که خدای تعالی در آیه ۶۵ سوره نساء می‌فرماید: «فَلَا وَرَبِّکَ لَا یؤْمِنُونَ حَتّی یحَکِّمُوکَ فِیمَا شَجَرَ بَینَهُمْ ثُمَّ لَا یجِدُوا فِی أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَیتَ وَیسَلِّمُوا تَسْلِیمًا؛ نه به پروردگارت سوگند ایمان نمی‌آورند (یعنی ایمانشان کامل نمی‌شود) مگر وقتی که هم در اختلافاتی که بینشان پدید می‌آید تو را حکم کنند و هم وقتی حکمی راندی در دل هیچ‌گونه ناراحتی از حکم تو احساس نکنند و به تمام معنا تسلیم شوند.» این اسلام در مرتبه سوم است که براساس نظر علامه(ره) در مقابلش ایمان مرتبه سوم قرار دارد و آن ایمانی است که آیات یک تا سه سوره مؤمنون: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ(۱) الَّذِینَ هُمْ فِی صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ(۲) وَالَّذِینَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ (۳)» و نیز آیه ۱۳۱ سوره بقره «إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِینَ» و آیاتی دیگر به آن اشاره می‌کنند. علامه(ره) تشریح می‌کنند که اخلاق فاضله از رضا و تسلیم و سوداگری با خدا و صبر در خواسته خدا و زهد به تمام معنا و تقوی و حب و بغض به‌خاطر خدا، همه از لوازم این مرتبه از ایمان است.

مرتبه چهارم اسلام: مرحله عبودیت و بندگی

همانگونه که در مراتب گذشته بیان شد مطابق نظر صاحب تفسیر المیزان، مرتبه چهارم از اسلام نیز دنباله و لازمه مرحله سوم از ایمان است. علامه(ره) در شرح نظر خود بیان می‌دارند: «چون انسانی که در مرتبه قبلی بود، حال او در برابر پروردگارش حالِ عبد مملوک است درباره مولای مالکش، یعنی دائماً مشغول انجام وظیفه عبودیت است، آن هم به‌طور شایسته و عبودیت شایسته همان تسلیم صرف بودن در برابر اراده مولی و محبوب او و رضای اوست. انسان درحالی که در مرتبه سابق از اسلام و تسلیم هست، ای بسا که عنایت ربانی شامل حالش گشته، این معنا برایش مشهود شود که ملک تنها برای خداست و غیر خدا هیچ‌چیزی نه مالک خویش است و نه مالک چیز دیگر، مگر آنکه خدا تملیکش کرده باشد، پس ربی هم سوای او ندارد و این معنایی است موهبتی و افاضه‌ای است الهی که دیگر خواست انسان در به‌دست آوردنش دخالتی ندارد و ای بسا که آیه ۱۲۸ سوره بقره: «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَینِ لَک وَمِنْ ذُرِّیتِنَا أُمَّه مُسْلِمَه لَک وَأَرِنَا مَنَاسِکَنَا» اشاره به همین مرتبه از اسلام باشد.»

در برابر این مرتبه از اسلام، علامه(ره) از مرتبه چهارم ایمان صحبت به میان می‌آورند که عبارت از این است که این حالت، تمامی وجود آدمی را فرا بگیرد. علامه(ره) در اینجا به آیات ۶۲ و ۶۳ سوره یونس اشاره دارند که خداوند تعالی درباره این مرتبه از ایمان می‌فرماید: «أَلَا إِنَّ أَوْلِیاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَیهِمْ وَلَا هُمْ یحْزَنُونَ (۶۲) الَّذِینَ آمَنُوا وَکَانُوا یتَّقُونَ (۶۳)؛ آگاه باش که اولیای خدا نه خوفی بر آنان هست و نه اندوهناک می‌شوند، کسانی که ایمان آوردند و از پیش همواره ملازم با تقوی بودند.» علامه(ره) در شرح این آیات و نحوه استنباط مرتبه چهارم ایمان استدلال می‌کنند که «چون مؤمنینی که در این آیه ذکر شده‌اند، باید این یقین را داشته باشند که غیر از خدا هیچ‌کس از خود استقلالی ندارد و هیچ سببی تأثیر و سببیت ندارد مگر به‌اذن خدا، وقتی چنین یقینی برای کسی دست داد، دیگر از هیچ پیشامد ناگواری ناراحت و اندوهناک نمی‌شود و از هیچ محذوری که احتمالش را بدهد نمی‌ترسد، این است معنای اینکه فرمود: «نه خوفی بر آنان هست و نه اندوهناک می‌شوند» وگرنه معنا ندارد که انسان حالتی پیدا کند که از هیچ‌چیز نترسد و هیچ پیشامدی اندوهناکش نسازد، پس این همان ایمان مرتبه چهارم است که در قلب کسانی پیدا می‌شود که دارای اسلام مرتبه چهارم باشند.»

ایمان؛ ریشه حیات سعادتمندانه

گفتاری از مرحوم آیت‌الله مصباح یزدی(ره) در باب رابطه ایمان و عمل

اندیشه بندگی

آنچه در ادامه از نظرتان می‌گذرد تلخیصی از درس پنجاه‌و‌پنجم آموزش اصول عقاید حضرت علامه مصباح یزدی(ره) است که به رابطه ایمان و عمل می‌پردازد. آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی در این گفتار از تأثیر عمل انسان بر ارتقا یا تنزل مراتب ایمان سخن می‌گوید.

ایمان، حالتی است روانی که از دانش و گرایش، مایه می‌گیرد و لازمه‌اش این است که شخص با ایمان، تصمیم اجمالی بر عمل کردن به لوازم چیزی که به آن ایمان دارد بگیرد. بنابراین، کسی که آگاه به حقیقتی است ولی تصمیم دارد که هیچ‌گاه به هیچ‌یک از لوازم آن، عمل نکند ایمان به آن نخواهد داشت و حتی اگر تردید داشته باشد که به آنها عمل کند یا نکند باز هم هنوز ایمان نیاورده است. اما ایمان واقعی هم مراتبی دارد و چنان نیست که هر مرتبه‌ای از آن، ملازم به انجام همه وظایف مربوطه باشد و ممکن است هیجانات شهوی یا غضبی، شخص ضعیف الایمان را به عصیان بکشاند ولی نه به‌گونه‌ای که تصمیم بر عصیان دائم و مخالفت با همه لوازم ایمانش بگیرد. و البته هر قدر، ایمان قوی‌تر و کامل‌تر باشد تأثیر بیشتری در انجام اعمال مناسب با آن خواهد داشت. حاصل آنکه: ذاتاً اقتضای عمل کردن به لوازم آن را دارد و مقدار همین تأثیر اقتضایی هم بستگی به‌شدت و ضعف آن دارد و در نهایت، اراده و تصمیم شخص است که انجام یا ترک کاری را متعین می‌سازد.

رابطه عمل با ایمان

عمل اختیاری یا شایسته و همسوی با ایمان است و یا ناشایسته و مخالف با جهت آن. درصورت اوّل، ایمان را تقویت و دل را نورانی‌تر می‌سازد و درصورت دوم، موجب ضعف ایمان و ظلمانی شدن قلب می‌گردد. بنابراین، اعمال صالحه‌ای که از شخص مؤمن، صادر می‌شود در عین حال که از ایمانش مایه می‌گیرد به نوبه‌خود بر قوت و ثبات ایمان می‌افزاید و زمینه کارهای نیک دیگری را فراهم می‌سازد. از سوی دیگر، درصورتی که انگیزه‌هایی مخالف با مقتضای ایمان، پدید آمد و موجب انجام کارهای ناشایسته‌ای گردید و قوت ایمان شخص به حدی نبود که مانع از بروز و صدور آنها شود، ایمان وی رو به ضعف می‌نهد و زمینه برای تکرار گناه، آماده می‌شود و اگر این روند همچنان ادامه یابد، به ارتکاب گناهان بزرگ‌تر و تکرار آنها می‌انجامد و سرانجام اصل ایمان را تهدید به زوال می‌کند.

نتیجه

با توجه به روابط متقابل ایمان و عمل و نقش آنها در سعادت انسان می‌توان حیات سعادتمندانه را به درختی تشبیه کرد که ایمان به خدای یگانه و به فرستادگان و پیام‌های او و به روز پاداش و کیفر الهی، ریشه‌های آن را تشکیل می‌دهد و تنه‌اش همان تصمیم اجمالی و بسیط بر عمل کردن به لوازم ایمان است که بدون واسطه، از آن می‌روید و شاخ و برگ‌های آن عبارت است از اعمال شایسته‌ای که از ریشه ایمان، مایه می‌گیرند. و میوه آن، سعادت ابدی خواهد بود. و اگر ریشه نباشد تنه و شاخ و برگی پدید نمی‌آید و میوه‌ای هم به بار نخواهد آورد.

ولی چنان نیست که وجود ریشه همیشه ملازم با شاخ و برگ مناسب و دادن میوه مطلوب باشد بلکه گاهی در اثر نامساعد بودن شرایط محیط و بروز آفات گوناگون، شاخ و برگ لازم نمی‌روید و نه‌تنها میوه مطلوب را به‌بار نمی‌آورد که گاهی به خشکیدن درخت نیز منجر می‌شود. همچنین ممکن است در اثر پیوندهایی که به شاخه و تنها و حتی به ریشه درخت، زده می‌شود آثار دیگری از آن، ظاهر گردد و احیاناً به تبدیل آن به درخت دیگری منتهی شود، و این همان تبدیل ایمان به کفر (ارتداد) است.

حاصل آنکه: ایمان به امور یادشده، عامل اصلی سعادت انسان است ولی تأثیر کامل این عامل، مشروط به جذب مواد غذایی لازم از راه اعمال صالحه و دفع آفات و مواد زیانبار به‌وسیله اجتناب از گناهان است. و ترک واجبات و ارتکاب محرمات، ریشه ایمان را ضعیف می‌کند و گاهی به خشکیدن آن، منتهی می‌شود، چنان‌که پیوند عقاید نادرست، موجب دگرگونی ماهیت آن می‌گردد.

اندیشه قرآن

ایمان در قرآن به روایت ری‌شهری(ره)

«ایمان در قرآن» اثر مرحوم آیت‌الله محمدمحمدی‌ری‌شهری(ره) است که در سال ۱۳۹۶ از سوی انتشارات چاپ و نشر دارالحدیث منتشر شده است. در این کتاب خواننده ابتدا تعریف ایمان را خواهد دانست و در ادامه به‌ترتیب در ۱۰ فصل با تفاوت ایمان و اسلام، سرچشمه ایمان، آنچه اعتقاد به آن لازم است، پایداری و ناپایداری ایمان، آسیب‌های ایمان، راه‌های تقویت ایمان، مراتب اسلام و ایمان، برکات ایمان و ویژگی‌های اهل ایمان از منظر قرآن و بزرگ‌ترین مفسران آن یعنی خاندان رسالت(ع) آشنا خواهد شد. نویسنده در فصل نخست ایمان مطلوب از منظر اسلام را باور قلبی همراه با تصدیق زبانی و التزام عملی تعریف می‌کند و در فصل دوم به تفاوت ایمان و اسلام و معانی دوگانه اسلام می‌پردازد. در فصل سوم از فطرت و سرشت انسان، عقل، علم، وحی و توفیق الهی به‌عنوان سرچشمه‌های ایمان نام برده می‌شود و در فصل ۴ در مورد اموری ۱۹ گانه به‌عنوان امور لازم به ایمان بحث شده و مؤمن را کسی می‌داند که به همه این امور باور و التزام دارد. در فصل پنجم و ششم پایداری و ناپایداری ایمان از نظر قرآن بررسی و عوامل پایداری و آسیب به ایمان از منظر قرآن تبیین شده است. نویسنده آسیب‌های ایمان را تعبیر به بیماری‌های روانی می‌کند که اگر در ابتدا درمان نشود موجب تضعیف نیروی ایمان می‌شود و اگر درمان نشود، به‌تدریج ایمان را نابود می‌کنند. فصل هفتم به آشنایی با راه‌های تقویت ایمان و فصل هشتم به‌مراتب مختلف اسلام و ایمان اختصاص دارد. در فصل نهم در مورد نقش ایمان در دستیابی به معارف فراعقلی بحث شده و در فصل دهم به چند نمونه از برجسته‌ترین ویژگی‌های اهل ایمان از منظر قرآن که موجب دستیابی انسان به کامیابی دنیا و آخرت می‌شود، اشاره شده است.

اندیشه اخلاق

واکاوی الگوی تربیت اخلاقی المیزان

تربیت اخلاقی (تزکیه نفس) هدفی است میانی برای رسیدن به هدف نهایی انسان، یعنی قرب خداوند و قرار گرفتن در جوار او؛ و بر همین مبنا علامه‌طباطبایی(ره)، محور الگوی تربیت اخلاقی انسان در قرآن را «توحید» قرار داده است. کتاب «روش‌های تربیت اخلاقی در المیزان» کوشیده است ابعاد و مؤلفه‌های این الگو را بر مبنای تفسیر گران‌سنگ المیزان در قالب نظامی هماهنگ سامان دهد. کتاب در ۶ فصل تنظیم شده است. در فصل نخست جایگاه تربیت اخلاقی در نظام اندیشه دینی و در فصل دوم مفاهیم روش و تربیت بررسی و در فصل سوم اهمیت مباحث تربیت اخلاقی بیان و سپس الگویی برای دسته‌بندی روش‌های تربیت اخلاقی طراحی شده است تا پس از این سه فصل بستری برای بحث مهیا شود. فصل چهارم به روش‌های تربیت اخلاقی در بعد شناخت اختصاص دارد و پس از بحث و بررسی در باب اهمیت و جایگاه شناخت، روش‌های شناختی همچون کنترل قوه خیال، صیانت از قلب، خروج از غفلت و معاشرت با صالحان بررسی و موانع شناخت تبیین شده است. فصل پنجم به روش‌های تربیت اخلاقی در بعد میل و انگیزه پرداخته است.

کتاب حاضر به قلم سیداحمد فقیهی از سوی انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(قدس سره) در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است.

اندیشه خودسازی

علم و ایمان در مسیر خودسازی

اگر خودسازی را به‌معنای ساختن خود (یعنی وجود آدمی) تعریف کنیم طی مسیر آن مستلزم ۲ اقدام اساسی است: اقداماتی که موجب رشد و شکوفایی استعدادها می‌شود و دوم اقداماتی که موانعی را که بر راه وصول به کمال است برطرف می‌سازد. کتاب «نقش علم و ایمان در خودسازی از دیدگاه قرآن» اثر خانم زینب محمدخانی به بررسی دو عامل علم و ایمان در این مسیر پرداخته است. کتاب در ۳ فصل تنظیم شده است. در فصل نخست، نظریات عده‌ای ارائه، تحلیل و نقد شده که بر نقش منحصربه‌فرد علم و آگاهی در خودسازی انسان‌ها تأکید می‌کنند. در فصل دوم، نظریه‌ای ارائه شده است که ایمان را شرط اساسی برای ورود به عرصه اعمال صالح معرفی می‌کند. همچنین در این فصل، به تفصیل درباره ارکان عمل اختیاری انسان سخن گفته شده است. همینطور، میزان اثرگذاری محیط بر عمل انسان و نقش اختیار آدمی در رفتارهای او، به‌طور مبسوط بررسی شده است. پس از اثبات این امر که ایمان آوردن به بایدها و نبایدهای اخلاقی، شرط لازم و کافی برای عمل کردن به نیکی‌ها و احتراز از بدی‌هاست، در فصل سوم، به ارائه راهکارهایی اهتمام ورزیده شده است که انسان را در تقویت ایمان خویش یاری می‌رسانند. این کتاب از سوی انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(قدس سره) در زمستان ۱۳۹۳ منتشر شده است.